

DOI: 10.82458/jss.2026.1217301

Research Paper

Critical discourse analysis of Iran's aging social issues using Lacla and Mouffe's discourse theory

Fereydoun Taghipour

Ph. D. Candidate, Department of Sociology, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Davoud Ebrahimpour

Assistant Professor, Department of Sociology, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author). E- mail: davoodebrahimpourd@iau.ac.ir

Samad Sabbagh

Assistant Professor, Department of Sociology, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Mahmood Elmi

Assistant Professor, Department of Sociology, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Aging has been portrayed in various ways within the social and cultural context of Iran. The aim of this study is to identify and analyze the discourses surrounding aging in Iran based on the discourse theory of Laclau and Mouffe, along with the issues and challenges associated with each discourse. This research uses a qualitative approach through discourse analysis. The research sample includes 27 research documents and validation through 10 semi-structured interviews with subject-matter experts, selected based on purposive sampling. The findings reveal the presence of discourses such as the negative portrayal and stereotyping of the elderly, the marginalization of the aging population, and the problematization of aging. Based on Laclau and Mouffe's theory, in the discourse of problematization, the "elderly as a resource" is the central nodal point, with articulated elements such as equal rights, opportunities for participation, purposeful living, social status, the welfare movement, and social support. In the discourse of negative portrayal and marginalization, the "elderly as a social burden" serves as the central nodal point, with elements such as weakness and illness, incompatibility with change, lack of productivity, social isolation, marginalization, and underrepresentation in the media forming its articulation. In alignment with the interpretive space of the aging discourse, strategic solutions were proposed.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Aging Social Issues, Discourse Analysis, Laclau and Mouffe, Negative Portrayals of Aging, Problematization of Aging.*

تحلیل گفتمان انتقادی مسائل اجتماعی سالمندی ایران با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه^۱

فریدون تقی‌پور^۲

داود ابراهیم‌پور^۳

صمد صباغ^۴

محمود علمی^۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۶/۱۷

چکیده

سالمندی در بافت اجتماعی و فرهنگی کشور به شیوه‌های مختلفی به تصویر کشیده شده است. از آن جهت هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل گفتمان‌های پیرامون سالمندی ایران بر اساس نظریه لاکلا و موفه و مسائل و چالش‌های هر یک از این گفتمان‌ها می‌باشد. روش پژوهش با رویکرد کیفی از نوع تحلیل گفتمان است. نمونه پژوهش ۲۷ سند پژوهش با اعتبارسنجی ۱۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته از خبرگان موضوعی با معیار درون گنجی تشکیل می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان داد گفتمان سیاه‌نمایی و کلیشه‌های منفی درباره سالمندان، حاشیه‌رانی جمعیت سالمند و مسئله‌مندی سالمندی در حوزه سالمندی وجود دارد. بر اساس نظریه لاکلا و موفه در گفتمان مسئله‌مندی، "سالمند به مثابه ثروت" به عنوان دال مرکزی و مفاهیم برابری حقوق، زمینه مشارکت، زندگی هدف‌مند، منزلت اجتماعی، نهضت بهزیستی و حمایت اجتماعی مفصل‌بندی دال مرکزی را شکل می‌دهند. برای گفتمان سیاه‌نمایی و حاشیه‌رانی "سالمند به مثابه بار اجتماعی" به عنوان دال مرکزی و مؤلفه‌های ضعف و بیماری، ناسازگاری با تغییرات، عدم بهره‌وری، انزوای اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و کم‌بازنمایی رسانه‌ای مفصل‌بندی این دال مرکزی را شکل می‌دهند. همسو با فضای تبیینی گفتمان سالمندی راهکارهای راهبردی پیشنهاد شد. واژگان کلیدی: مسائل اجتماعی سالمندی، تحلیل گفتمان، لاکلا و موفه، سیاه‌نمایی سالمندی، مسئله‌مندی سالمندی.

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی ایران تحت عنوان آینده پژوهی مسائل اجتماعی ایران به روش CLA می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: davoodebrahimpoord@iau.ac.ir

۴. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۵. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

سالمندی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های مردم‌شناختی و جمعیت‌شناختی قرن بیست و یکم است که در سطح جهانی و ملی به سرعت در حال گسترش است. افزایش جمعیت سالمندان در نتیجه تغییرات اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی، این پدیده را از یک مسئله فردی و زیستی به یک موضوع اجتماعی و جهانی تبدیل کرده است (۱۶). بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۹)، جمعیت افراد بالای ۶۰ سال از حدود ششصد میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر (۱۴ درصد از کل جمعیت جهان) در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ به دو میلیارد نفر (۲۱/۸ درصد جمعیت جهان) افزایش یابد.

ایران نیز در این روند جهانی قرار دارد. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، بیش از شش میلیون نفر (۸/۲ درصد) از جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند (۴۱). برآوردها نشان می‌دهد که از سال ۱۴۱۹ به بعد، رشد جمعیت سالمند ایران سریع‌تر از میانگین جهانی خواهد بود و تا سال ۱۴۲۴ از میانگین رشد جمعیت سالمند جهان و پنج سال بعد از آسیا نیز پیشی خواهد گرفت (۱۸). این روند بیانگر آن است که ایران در آینده نزدیک با پدیده پیری جمعیت مواجه خواهد شد.

سالمندی علاوه بر جنبه‌های زیستی، با مسائل اجتماعی متعددی هم‌چون فقر، نابرابری در توزیع درآمد، انزوای اجتماعی، سلامت روانی و اجتماعی و حاشیه‌ای شدن همراه است. با توجه به سرعت رشد جمعیت سالمند ایران، شدت این مسائل نیز افزایش خواهد یافت (۴۲). از سوی دیگر، سالمندی بازتاب نگرش‌ها و باورهای اجتماعی است و تجربه آن در جوامع مختلف بسته به ساختار نظام رفاهی، نظام بهداشتی و درمانی و فرصت‌های حمایتی متفاوت خواهد بود (۳۲) و (۲۴).

در این میان، تحلیل گفتمان به عنوان رویکردی نظری و روش‌شناختی، امکان بررسی لایه‌های پنهان و آشکار سالمندی را فراهم می‌آورد. گفتمان‌ها نه تنها بازتاب زبان، بلکه بازتاب روابط قدرت، ایدئولوژی‌ها و آرمان‌های فرهنگی هستند (۷). ایدئولوژی‌های بنیادین فرهنگی، تجربه‌های متفاوت سالمندی را شکل می‌دهند. باید گفتمان‌های مختلف در رابطه با سالمندی از نقطه نظر قدرت مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، رویکرد پساساختارگرایی نشان می‌دهد که چگونه سالمندی توسط زیر لایه‌های روابط قدرت، آرمان‌های فرهنگی و ایدئولوژی‌ها ساخته می‌شود. تحلیل گفتمان سالمندی به دنبال کاوش در زیر نشانه‌های ظاهری و سطحی موضوع سالمندی برای کشف بنای سیستمی ساختاری و جهان‌بینی آن موضوع است. گفتمان‌سازی روشی است برای تثبیت و هژمونیک کردن یک نظام معنایی که از طریق مفصل‌بندی و چینش ذهنی، حول یک نشانه و دال شکل می‌گیرد. تحلیل گفتمان انتقادی، نوعی پژوهش گفتمانی است که بیشترین وجه جامعه‌شناختی را دارد. هم‌چنان که از لفظ "انتقادی" بر می‌آید، در درجه اول به مسأله سوء استفاده از قدرت، سلطه، نابرابری و بازتولید و مقاومت در برابر قدرت در متون می‌پردازد (۷). رسانه‌ها و افکار عمومی در ایران سالمندی را گاه به عنوان «سونامی سالمندی» و تهدیدی برای اقتصاد و رفاه

اجتماعی بازنمایی کرده‌اند (۲۹)، و گاه در قالب گفتمان سالمندی سالم و موفق، با دیدی مثبت به نقش فعال سالمندان در جامعه پرداخته‌اند. این بازنمایی‌های متعارض نشان می‌دهد که سالمندی در ایران نه تنها یک واقعیت جمعیتی، بلکه یک عرصه منازعه گفتمانی است که در آن معانی، ارزش‌ها و سیاست‌ها به چالش کشیده می‌شوند.

در چنین بستری، نظریه گفتمان لاکلا و موفه اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. این نظریه بر منطق قدرت و تخصیص تأکید دارد و نشان می‌دهد که گفتمان‌ها همواره از طریق فرایند غیریت‌سازی و مفصل‌بندی در برابر گفتمان‌های رقیب شکل می‌گیرند و تثبیت می‌شوند (۳۴). به بیان دیگر، بازنمایی سالمندی در ایران را می‌توان به عنوان عرصه‌ای دید که در آن گفتمان‌های مختلف در رقابت و تقابل با یکدیگر قرار دارند و هر یک می‌کوشند معنای مسلط را تثبیت کنند. این رقابت گفتمانی نه تنها بر سیاست‌های اجتماعی و رفاهی اثرگذار است، بلکه بر نگرش عمومی نسبت به سالمندان و جایگاه آنان در جامعه نیز تأثیر می‌گذارد.

با وجود اهمیت روزافزون این پدیده، جامعه‌شناسی سالمندی در ایران با خلأهای جدی مواجه است. تاکنون پژوهش‌ها بیشتر تحت سیطره رویکردهای روان‌شناختی، پزشکی و جمعیت‌شناسی بوده‌اند و کمتر به ابعاد اجتماعی و گفتمانی آن پرداخته شده است. از این رو، ضرورت دارد گفتمان‌های حاکم بر سالمندی ایران با رویکردی انتقادی و بر اساس نظریه‌های گفتمان تحلیل شوند تا ابعاد پنهان و چالش‌های این پدیده آشکار گردد. این امر می‌تواند راهنمایی برای پژوهشگران آینده‌پژوه و سیاست‌گذاران اجتماعی در مواجهه با پیامدهای سالمندی جمعیت باشد. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل گفتمان‌های پیرامون سالمندی ایران بر اساس نظریه لاکلا و موفه و بررسی مسائل و چالش‌های هر یک از این گفتمان‌هاست.

مبانی نظری پژوهش

برای «گفتمان» تعاریف متعددی ارائه شده است؛ برخی آن را به صورت کوتاه و موجز بیان کرده‌اند و برخی دیگر تعاریفی پیچیده و مبهم عرضه کرده‌اند. فوکو گفتمان را بازنمایی‌کننده «خود» و «دیگری» و روابط میان آن‌ها می‌داند؛ به گونه‌ای که گفتمان‌ها بخشی از ساختار قدرت در جامعه یا هسته‌های قدرت محسوب می‌شوند، جایی که قدرت و دانش به یکدیگر پیوند می‌خورند.

در خصوص «تحلیل گفتمان» نیز تعاریف متنوعی وجود دارد. تحلیل گفتمان در حقیقت فرایند کشف معانی آشکار و پنهان جریان‌های گفتمانی است که در قالب‌های زبانی و فرازبانی نمود می‌یابند (۱۱). معنا و مفهوم تحلیل گفتمان فراتر از صورت‌های قابل رؤیت زبان بوده و به زمینه‌های اجتماعی و کشف رابطه زبان با فرایندهای اجتماعی می‌پردازد (۷). زبان‌شناسان با استناد به دیدگاه مالی‌نوفسکی بر این باورند که معنا در ذات کلمات نهفته نیست، بلکه در شرایط اجتماعی، ساختار جمله، شیوه ادای واژگان، تأثیر واژگان مجاور و عوامل متعدد دیگر شکل می‌گیرد.

فوکو نقطه کانونی مباحث خود را در باب روابط دانش و قدرت در مفهوم «طرد» می‌بیند؛ بدین معنا که برتری یافتن گفتمان غالب از طریق پیوند آن با روابط قدرت و ترجیح آن گفتمان تحقق می‌یابد. تحلیل گفتمان که امروزه به رویکردی میان رشته‌ای در علوم اجتماعی بدل شده است، ریشه در جنبش انتقادی ادبیات، زبان‌شناسی (نشانه‌شناسی)، تأویل‌گرایی، هرمنوتیک گادامر و نیز تبارشناسی و دیرینه‌شناسی فوکو دارد. نقطه آغاز این رویکردها همان ادعای فلسفه زبانی ساخت‌گرایان و پس‌اساخت‌گرایان است؛ یعنی دسترسی به واقعیت همواره از طریق زبان امکان‌پذیر است. زبان بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌کند که بازتاب واقعیت پیشینی نیستند؛ بلکه زبان در برساختن واقعیت نقش دارد. این امر به معنای نفی وجود واقعیت نیست؛ بلکه معنای بازنمایی‌ها اموری واقعی‌اند. پدیده‌های فیزیکی نیز وجود دارند، اما صرفاً از طریق گفتمان معنا می‌یابند (۱۱).

فوکو با تنویر کردن رابطه قدرت و دانش و پیوند آن با گفتمان نشان می‌دهد که چگونه گفتگوها پیرامون مسائل خاص شکل می‌گیرند و گفتگوهای دیگر از میدان خارج می‌شوند. گفتمان به مثابه قدرت که هم مولد و هم بازدارنده است، سوژه‌های گفتمانی را تحت انقیاد در می‌آورد. لاکلا و موفه نیز که وام‌دار نظریه فوکو هستند، «قدرت» را مفهومی اساسی در نظریه خود می‌دانند و پیروزی در منازعات سیاسی و اجتماعی را وابسته به قدرت گفتمانی تلقی می‌کنند. به بیان دیگر، در منازعات سیاسی - اجتماعی، گفتمانی پیروز خواهد شد که توان بیشتری برای هژمونیک کردن خود داشته باشد. این قدرت ناشی از توانایی یک گفتمان در برجسته‌سازی نظام معنایی خود و به حاشیه راندن نظام معنایی رقیب است (۱۹).

ویژگی گفتمان لاکلا و موفه آن است که تحلیل گفتمان انتقادی را از حوزه زبان‌شناسی به عرصه سیاست و اجتماع کشانده و از این ابزار نیرومند برای تحلیل‌های اجتماعی بهره برده‌اند. نقطه مشترک تحلیل گفتمان فوکو و لاکلا، عمومیت گفتمان نسبت به زبان است؛ به گونه‌ای که گفتمان تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد و ذهن و رفتار کنشگران فردی و اجتماعی را شکل می‌دهد. در این رویکرد، گفتمان وسعتی به گستردگی کل نظام اجتماعی دارد (۴۰).

گفتمان سالمندی

ژرونتولوژی^۱ یا علم پیری‌شناسی، فرایندهای پیری را از جنبه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌دهد. سالمندشناسی نیز همانند جامعه‌شناسی در دو سطح کلان و خرد مطرح است. نظریه‌های سطح خرد اجتماعی، مانند دیدگاه‌های برساخت‌گرایی اجتماعی و مبادله اجتماعی، بر عاملیت فردی و تعاملات فردی و اجتماعی تمرکز دارند. در مقابل، نظریه‌های سطح کلان اجتماعی

^۱. Gerontology

عناصر ساختاری را بررسی می‌کنند که تجارب سالمندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر یک از پارادایم‌های جامعه‌شناختی گفتمان‌های متفاوتی نسبت به سالمندی دارند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود. ۱. نظریه کارکردگرایی: کارکردگرایی معتقد است با افزایش سن و ورود به دوره سالمندی، افراد توانایی ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی واگذار شده از سوی جامعه و خانواده را از دست می‌دهند. در نتیجه، کناره‌گیری سالمندان از کار و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان، کارکردی مثبت برای کل جامعه محسوب می‌شود (۸).

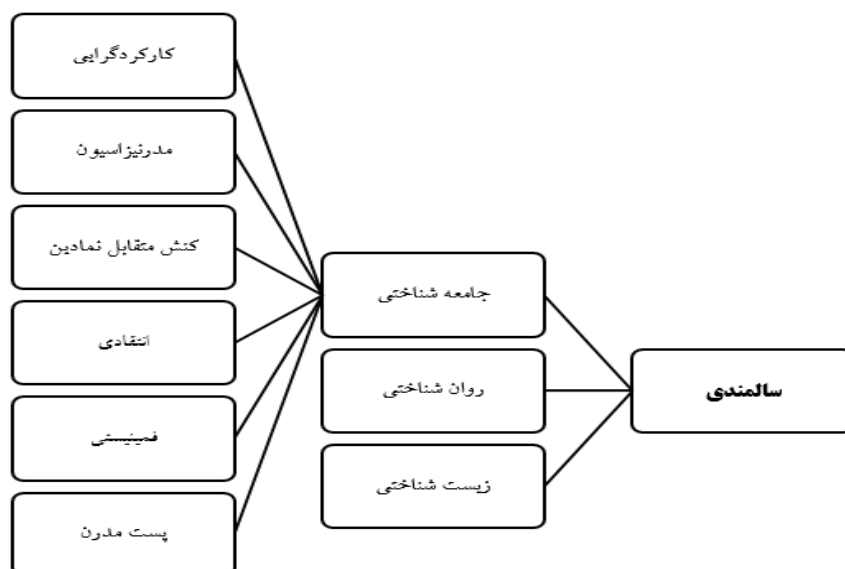
۲. گفتمان مدرنیزاسیون: در این گفتمان، یکی از علل اصلی کاهش قدرت و نفوذ سالمندان، مؤلفه‌ها و مظاهر مدرنیزاسیون است (۶). تغییرات اجتماعی ناشی از نوسازی، موقعیت سالمندان را تنزل می‌دهد. پیشرفت‌های اقتصادی و تکنولوژیکی مهارت‌های شغلی سالمندان را کاهش داده و توسعه آموزش عمومی نیز ارزش اجتماعی آنان را در مقایسه با جوانان کمرنگ می‌کند. در چنین شرایطی، جوانی و پیشرفت تحسین می‌شود، در حالی که سنت‌ها و تجارب سالمندان بی‌معنا و قدیمی تلقی شده و منزلت آنان در معرض خطر قرار می‌گیرد (۴۴). این روند موجب تغییر ساختار خانواده، افزایش تفاوت‌های بین‌نسلی و تضعیف هنجارهای سنتی حمایت فرزندان از والدین سالمند می‌شود.

۳. کنش متقابل نمادین: این رویکرد در سطح خرد و در قالب سنت نظری تفسیری، بر معنا، فهم و تجربه زیسته سالمندان در دوره سالمندی و اواخر عمر تمرکز دارد. بر اساس این دیدگاه، تغییرات مرتبط با سالمندی ذاتاً معنای مشخصی ندارند؛ بلکه نگرش نسبت به سالمندی و سالمندان در بستر جامعه و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد.

۴. پارادایم انتقادی: این رویکرد بر رقابت گروه‌های اجتماعی برای دستیابی به قدرت و منابع کمپاب تأکید دارد. سالمندان نیز در این رقابت با گروه‌هایی چون جوانان درگیر می‌شوند. نظریه انتقادی بر وجود تبعیض سنی علیه سالمندان و همچنین نابرابری‌های ناشی از جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه اجتماعی تأکید می‌کند (۱۰).

۵. نظریه‌های فمینیستی: فمینیسم در حوزه سالمندی بر این نکته تأکید دارد که فرایند سالمندی برای زنان و مردان یکسان نیست. سالمندی پدیده‌ای جنسیتی است که به گونه‌ای متفاوت توسط زنان و مردان درک، تفسیر و تجربه می‌شود.

۶. رویکردهای پست‌مدرن: از دهه ۱۹۹۰ به بعد، رویکردهای پست‌مدرن به موضوع سن و هویت سالمندان توجه نشان داده‌اند. این رویکردها بر سبک زندگی بهتر، افزایش فرصت‌های فراغت و بهره‌گیری از فناوری‌های زیستی و پزشکی برای ارتقای طول عمر و کیفیت زندگی تأکید دارند. نظریه‌پردازان پست مدرن با ساختارشکنی جنسیتی، سن را امری سیال و متکثر تلقی کرده و از محدود شدن به گفتمان پزشکی که بر ضعف‌های سالمندی تأکید دارد، پرهیز می‌کنند (۲۶). بر این اساس، می‌توان از مفهوم «سالمندی سیال» در جامعه امروز سخن گفت.



شکل شماره (۱): چارچوب نظری گفتمان سالمندی ایران

پیشینه تجربی پژوهش

سالمندی به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات جمعیتی و اجتماعی عصر حاضر، به ویژه در ایران، به مسئله‌ای اساسی در حوزه‌های علمی و سیاست‌گذاری اجتماعی تبدیل شده است. افزایش جمعیت سالمند و تغییرات ساختاری خانواده و جامعه نشان می‌دهد که سالمندی صرفاً یک پدیده زیستی نیست، بلکه تجربه‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز هست. از این رو، مطالعات سالمندی در سال‌های اخیر با رویکردهای متنوعی انجام شده و هر یک ابعاد متفاوتی از این پدیده را آشکار ساخته‌اند.

- پروایی (۱۴۰۱)، تجربه سالمندی در جامعه ایران ناهمگون، نابرابر و متکثر است. سالمندی نه تنها بر پایه تفاوت‌های جنسیتی تجربه‌ای متکثر دارد، بلکه در تلاقی با سایر مؤلفه‌های اجتماعی چون موقعیت طبقاتی، وضعیت سلامتی و تفاوت‌های قومیتی و فرهنگی نیز به شکل نابرابر تجربه می‌شود. این وضعیت می‌تواند محرومیت و فرودستی مضاعف برای سالمندان ایجاد کند (۲۳).

- آزاد ارمکی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش «رهیافت انتقادی به کالایی شدن سلامت و پردشدگی سالمندان تهیدست» نشان داده شد که سلامت طبقاتی شده، فقیر شدگی نظام سلامت دولتی و جاماندگی سالمندان از پیامدهای کالایی شدن سلامت است. این امر به احساس محرومیت طبقاتی، فقیرسازی سالمندان، صف‌های طولانی انتظار، حذف سلامت از سبد مصرفی و روی‌آوری به خود درمانی منجر می‌شود (۴).

- ریاحی (۱۳۸۷)، در مطالعه تطبیقی موقعیت سالمندان در جوامع سنتی و معاصر، بیان شد که سالمندان در گذشته با برخورداری از ثروت، قدرت و حیثیت، منزلت اجتماعی بالایی داشتند. اما تحولات اجتماعی، اقتصادی و آموزشی در دوران جدید موجب کاهش اقتدار و منزلت آنان شده و باور قالبی «ناتوانی سالمندان» را تقویت کرده است (۳۰).

- وارلا سوارز^۱ (۲۰۲۴)، در تحلیل گفتمان «سالمندی سالم»، عواملی چون فعالیت فیزیکی، افسردگی، تنهایی، مشارکت اجتماعی، شبکه حمایت اجتماعی، عزت نفس، تحصیلات، درآمد و رفتارهای ارتقا دهنده سلامت به عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر سالمندی سالم معرفی شدند (۴۳).

- اولسن^۲ (۲۰۲۳)، در تحلیل تصویری از گفتمان «پیری موفق» در تلویزیون بریتانیا، ۶۲۲۸ آگهی تبلیغاتی بررسی شد. نتایج نشان داد کلیشه‌های رسانه‌ای بر ادراک و رفتار افراد تأثیر گذارند و مفهوم «پیری موفق» با ایده‌های رشد و پیر بودن همخوانی دارد (۲۰).

- اسکاس^۳ و همکاران (۲۰۲۲)، در تحلیل گفتمان فوکویی از بازنمایی سالمندان در رسانه‌های خبری دوران COVID-19، مشخص شد که سالمندان به عنوان گروهی جدا از جامعه و عمدتاً با رفتارهای منفی تصویر می‌شوند (۳۹).

- فیلان^۴ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود به بازنمایی گفتمان سالمندگرایی پرداخت. وی نشان داد که سن-گرایی در قالب «حقیقت‌های مسلم» درباره سالمندان تولید و بازتولید می‌شود و هویت‌های سن‌گرا مشروعیت اجتماعی می‌یابند (۲۵).

مطالعات جهانی رویکردهای نظری متنوعی برای تحلیل پدیده سالمندی ارائه داده‌اند. در ایران، پژوهش‌ها عمدتاً در چارچوب روان‌شناختی، پزشکی، سلامت و جمعیت‌شناختی انجام شده و سالمندی به عنوان مسئله‌ای بحرانی و ضروری مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، شناخت عمیق‌تر مسائل سالمندی نیازمند توجه به لایه‌های گفتمانی و جهان‌بینی‌های نهفته در تجربه سالمندی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این لایه‌های گفتمانی، خود را از تحقیقات پیشین متمایز می‌سازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر اساس روش کیفی تحلیل گفتمان و منطبق بر رویکرد پساساختارگرایی لاکلا و موفه انجام شده است. هدف اصلی، شناخت گفتمان‌های حاکم بر سالمندی در ایران بوده است. در گام نخست، اسناد پژوهشی مرتبط با سالمندی که به نحوی به بخشی از مسئله پرداخته‌اند بررسی شد. سپس نیازها و خلأهای موجود در ابعاد مختلف، زمینه‌ساز طراحی پرسش‌ها برای مصاحبه با خبرگان موضوعی گردید. در واقع، ابعاد مسئله به فراخور نیازهای پژوهشی در مصاحبه‌ها آسیب‌شناسی شدند.

^۱. Varela S, Ana

^۲. Olsen

^۳. Skoss

^۴. Phelan

جامعه و نمونه پژوهش

- واحد بررسی: ۲۷ منبع پژوهشی و ۱۰ مصاحبه با خبرگان.
 - روش نمونه گیری: هدفمند، متناسب با نیازهای پژوهشی تا رسیدن به حد اشباع داده‌ها.
 - معیار انتخاب خبرگان: ۱. سنخیت و ارتباط تحصیلی، ۲. ارتباط شغلی و پژوهشی، ۳. شرط سنی برای سالمندان.
 - ابزار گردآوری داده‌ها: مصاحبه نیمه ساختاریافته.
- اشباع نظری: فرایند گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات جدیدی به یافته‌های پیشین اضافه نمی‌کرد و الگوهای مفهومی تکرار می‌شدند. پس از انجام ۱۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته و بررسی ۲۷ منبع پژوهشی، محققان دریافتند که مضامین اصلی و گفتمان‌های مرتبط با سالمندی به طور کامل شناسایی شده‌اند و داده‌های تازه صرفاً تأیید کننده یافته‌های موجود بودند. این وضعیت نشان دهنده رسیدن به اشباع نظری بود؛ یعنی نقطه‌ای که در آن جمع‌آوری داده‌های بیشتر ارزش افزوده‌ای برای تحلیل ایجاد نمی‌کند. تحلیل داده‌ها: داده‌ها مطابق منطق پژوهش کیفی و با بهره‌گیری از مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. نرم‌افزار MAXQDA برای سامان‌دهی و تحلیل داده‌ها به کار گرفته شد.

اعتبار پژوهش

- برای سنجش اعتبار، از روش آزمون- بازآزمون استفاده شد. نتایج دو کدگذاری با روش هولستی مقایسه گردید. با توجه به این که توافق بالای ۷۰ درصد قابل اتکا محسوب می‌شود، میزان توافق به دست آمده ۹۱/۰ نشان دهنده اعتبار قابل قبول یافته‌هاست.
- $$PAO = \frac{2M}{n1+n2} = 2 * \frac{114}{125+125} = 0/91$$
- ارجاع به واحدهای تحلیل (کدها) در جدول (۱) قابل مشاهده است.

جدول شماره (۱): لیست واحدهای تحلیل

کد ارجاع	منابع مورد بررسی	کد ارجاع	منابع مورد بررسی	کد ارجاع	مصاحبه‌شوندگان
۱	شهرزاد یذرافشان (۱۳۹۶)	۱۸	عبدالرحیم اسداللهی و همکاران (۱۳۹۲)	۲۸	مصاحبه‌شونده ۱
۳	محمود شیخ و مرضیه مسلمی‌نژاد (۱۳۹۵)	۲	شیرین مهدوی و همکاران (۱۳۹۷)	۲۹	مصاحبه‌شونده ۲
۵	محمدتقی بیربایی و همکاران (۱۳۹۸)	۴	کریم علی‌کرمی و همکاران (۱۳۹۸)	۳۰	مصاحبه‌شونده ۲
۷	علی شیرافکن و ناهید طایفی نصرآبادی (۱۳۹۹)	۶	محمدرضا مصاحبی و همکاران (۱۳۹۸)	۳۱	مصاحبه‌شونده ۴
۹	مصطفی خرابی و همکاران (۱۳۹۷)	۸	سهیلا صادقی فسایی و عاطفه خادمی (۱۳۹۲)	۳۲	مصاحبه‌شونده ۵
۱۱	فرونش اوقاتی اصفهانی و همکاران (۱۴۰۰)	۱۰	رقیه نوروزی و همکاران (۱۳۹۷)	۳۳	مصاحبه‌شونده ۶
۱۳	مهرزاد بابائی (۱۳۸۶)	۱۲	فاطمه صمدی و مجتبی دلیر (۱۳۹۹)	۳۴	مصاحبه‌شونده ۷
۱۵	محبوبه کریمی و نسرين الهی (۱۳۸۷)	۱۴	عزت‌الله سام آرام و زیبا احمدی بنی (۱۳۸۶)	۳۵	مصاحبه‌شونده ۸
۱۷	فریده یاستانی و همکاران (۱۳۸۹)	۱۶	ناهید رژه و همکاران (۱۳۸۹)	۳۶	مصاحبه‌شونده ۹
۱۹	مسعود حاجی زاده میمندی و همکاران (۱۳۹۱)	۲۷	صبح امروز (۱۳۹۶)	۳۷	مصاحبه‌شونده ۱۰
۲۱	منصوره مکریان و همکاران (۱۳۹۳)	۲۰	فریده خداپنده و همکاران (۱۳۹۱)		
۲۳	سیدهادی زرقانی و همکاران (۱۳۹۴)	۲۲	هدی جفاری و همکاران (۱۳۹۲)		
۲۵	حسین محمودیان و حسین ضرغامی (۱۳۹۵)	۲۴	مجید موحّد و همکاران (۱۳۹۴)		
۲۷	شیوا پروایی (۱۴۰۰)	۲۶	حسین ضرغامی و حسین محمودیان (۱۳۹۵)		

روش تحقیق این نوشتار بر پایه توصیف مفاهیم اصلی نظریه لاکلا و موفه تنظیم شده است. این نظریه از کاربردی‌ترین چارچوب‌ها در زمینه تحلیل گفتمان به شمار می‌رود. چارچوب روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه شامل مفاهیم زیر است:

۱. دال مرکزی: دال مرکزی گرهگاه یا بست دالی است که سایر دال‌ها حول آن جمع می‌شوند و انسجام گفتمان را شکل می‌دهند (۱۳).

۲. مفصل‌بندی: قرار دادن پدیده‌هایی در کنار یکدیگر که به طور طبیعی در کنار هم قرار ندارند. مفصل - بندی تلفیقی از عناصر است که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند.

۳. دال و مدلول: دال بیانگر اشخاص، مفاهیم یا نمادهایی است که در چارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی ویژه دلالت می‌کنند. مصداق یا معنایی که دال بر آن دلالت دارد، مدلول نامیده می‌شود.

۴. دال شناور: دالی با مدلول‌های متعدد و غیر ثابت است. گفتمان‌ها تلاش می‌کنند مدلول مطلوب خود را به آن الحاق کنند و مدلول‌های رقیب را به حاشیه برانند.

۵. دال خالی: بیانگر یک فضای غایب یا وضعیت آرمانی است. دال خالی امکان پیش‌بینی شرایط آینده و دوام گفتمان‌ها را فراهم می‌سازد. گفتمان‌هایی که بتوانند حول دال‌های خالی مفصل‌بندی کنند، ظرفیت هژمونیک شدن دارند.

۶. ضدیت و غیریت: گفتمان‌ها اساساً در تفاوت و تعارض با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت هر گفتمان منوط به وجود «غیر» است و از طریق غیریت‌سازی تثبیت می‌شود (۲۱).

۷. هژمونی: در رویکرد لاکلائی، هژمونی در سراسر جامعه حضور دارد. اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال بپذیرند، آن دال هژمونیک می‌شود. تثبیت هویت‌ها در این چارچوب موقت و نسبی است.

۸. ساختارشکنی: مفهومی بر گرفته از دریدا که نقطه مقابل انسداد است. ساختارشکنی با از بین بردن ثبات معنایی یک گفتمان، زمینه را برای ظهور گفتمان‌های رقیب فراهم می‌کند.

مطابق مراحل تحلیل مبتنی بر نظریه لاکلا و موفه، دال‌های شناور (وقته‌ها) و عناصر مفصل‌بندی‌شده حول دال مرکزی گفتمان‌های سالمندی، از طریق مصاحبه با خبرگان موضوعی استخراج شدند. این فرایند امکان شناسایی نظام معنایی گفتمان‌های سالمندی و بررسی روابط قدرت و هژمونی در این حوزه را فراهم ساخت.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌ها با اتکا به اسناد پژوهشی و نظرات نخبگان، از رهگذر بررسی ساختارهای فرهنگی، زبانی و اجتماعی هستی‌بخش سالمندی استخراج شده‌اند. هدف اصلی، شناخت گفتمان‌های مختلفی است که در جامعه ایران به شکل‌دهی تجربه سالمندی می‌پردازند. تحلیل داده‌ها نشان داد که سالمندی در ایران تحت تأثیر مجموعه‌ای از گفتمان‌های متنوع قرار دارد که هر یک با مفاهیم و عناصر خاصی معنا می‌یابند.

در ادامه، گفتمان‌های شناسایی‌شده و مفاهیم مرتبط با هر یک معرفی و تبیین می‌شوند.

جدول (۲): گفتمان‌ها و مفاهیم مرتبط با گفتمان

گفتمان	برخی مفاهیم مرتبط با گفتمان
سیاه‌نمایی سالمندی و کلیشه‌های منفی درباره سالمندان	سالمند به عنوان یک‌بار
	دوره زندگی بی‌تحرک و غیرفعال
	بی‌ثمری اقتصادی و دوران درماندگی
	کلیشه‌سازی سیستماتیک و تبعیض علیه سالمندان
مسئله‌مندی سالمندی	کاهش مداخلات و سیستم حمایتی و اجتماعی
	جهت‌گیری غربی برای سالمندی، ناکارآمدی، نداشتن بهره‌وری
	سالمندان به عنوان یک فرصت و ثروت
	برابری و تساوی حقوق، احترام به سالمندان
حاشیه‌رانی جمعیت سالمند	داشتن هدف در زندگی برای سالمند
	نهضت بهزیستی و اصلاحی در سبک زندگی سالمند
	عدالت فرصت‌های برابر برای سالمندان
	توان‌مندسازی و حمایت از افراد ناتوان و سالمند
	زمینه مشارکت اجتماعی برای سالمندان
	سالمندی نمود خردمندی
	تضعیف سنت‌های حمایتی خانواده از افراد سالمند
	عدم آشنایی با فضای مدرن و حاشیه‌ای شدن
	پیری جمعیت و کم‌بازنمایی در رسانه‌ها
	انفصال از نقش‌های کاری
	تجربه‌ای از سالمندی تهدید‌ناهن، پرمخاطره و انزواجویانه

گفتمان سیاه‌نمایی و کلیشه‌های منفی درباره سالمندان

در این گفتمان، سالمند به عنوان «بار» اجتماعی و خانوادگی تلقی می‌شود. تصور غالب از سالمندی در جامعه، دوره‌ای بی‌تحرک و غیرفعال است که فاقد روابط اجتماعی گسترده بوده و محدود به خویشاوندان نزدیک می‌گردد. اعضای خانواده اغلب سالمند را سربار می‌دانند و ذهن او را ناکارآمد تصور می‌کنند. کلیشه‌های منفی در این زمینه اهمیت زیادی دارند، زیرا می‌توانند تأثیرات مخربی بر زندگی و رفاه سالمندان برجای گذارند. مهم‌ترین کلیشه‌های شناسایی‌شده در مصاحبه با خبرگان عبارت‌اند از:

– سالمندان ضعیف، بیمار و وابسته‌اند؛ انباشت بیماری‌های جسمی در دوران سالمندی، سلامت روانی و شادکامی را تهدید کرده و به شکل‌گیری «طبقه بیمار» منجر می‌شود. این وضعیت هزینه‌های سنگینی برای خانواده و جامعه ایجاد کرده و نیازمند حمایت دولتی و اجتماعی است (مصاحبه ۳–۱).

– سالمندان قادر به یادگیری یا سازگاری با تغییرات نیستند؛ عدم آشنایی با اقتضائات زیستی فضای مدرن، کم‌سواد و تحصیلات پایین، موجب شده است سالمندان در موقعیت حاشیه‌ای قرار گیرند. فقدان

آموزش و دسترسی به فناوری، آنان را بیش از پیش منزوی کرده است (۲۳) و (۳۳). «فرزندان و نوه‌ها هنگام حضور در خانه، بیشتر مشغول تلفن همراه هستند و توجهی به ما نمی‌کنند.» (مصاحبه، ۹-۱۰)

- سالمندان ناراحت، افسرده و بی‌حوصله‌اند: ترس از دست دادن منزلت و قدرت، زمین‌گیر شدن، وابستگی به دیگران و مرگ در تنهایی، همراه با فقدان همسر، شغل، موقعیت اجتماعی و مهاجرت فرزندان، زمینه‌ساز اضطراب و افسردگی در سالمندان است (۳۷) و (۳۳).

- سالمندان بهره‌ور نیستند و به جامعه باری اضافه می‌کنند «کاهش جذابیت‌های جسمانی (احساس آن) و کاهش توان‌مندی‌های جسمانی در انجام نیازها و ضرورت‌ها، همراه با از دست رفتن حمایت‌های عاطفی و اجتماعی، به کاهش احساس خود ارزشی منجر می‌شود» (۳۶). یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «توانایی و جوانی گذشته را ندارم و کار زیادی از دستم بر نمی‌آید؛ به نوعی احساس می‌کنم باری برای فرزندان هستم.» (مصاحبه، ۸-۱۰)

- سالمندان در زمینه‌های مختلف مشارکت ندارند: تغییر سبک زندگی، هسته‌ای شدن خانواده و حذف برخی موقعیت‌های اجتماعی، موجب احساس مطرود بودن سالمندان شده است (۱۲) و (۳۵).

- انزوا و تنهایی: سالمندان به دلیل از دست دادن همسر یا دوستان و دوری از خانواده، بیش از سایر گروه‌های سنی با احساس تنهایی مواجه‌اند. برآوردها نشان می‌دهد میزان شیوع تنهایی در میان سالمندان حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد است (۱۵).

به زعم ایلان (۲۰۲۱)، کلیشه‌های پنهان و ناخودآگاه درباره سالمندان همچنان در جریان‌اند و پیامدهایی چون بی‌احترامی، نادیده گرفتن، طردشدگی، درماندگی آموخته شده و تقدیرگرایی را به همراه دارند. همچنین دفرا (۲۰۲۳)، بر بی‌ثمری اقتصادی و درماندگی سالمندان به عنوان تبعات منفی این گفتمان تأکید می‌کند.

گفتمان مسئله‌مندی سالمندی

در این گفتمان، برابری و تساوی حقوق، احترام به سالمندان، حقوق انسانی (احترام و عزت)، داشتن هدف در زندگی برای سالمند، نهضت بهزیستی و اصلاح سبک زندگی سالمندان، عدالت و فرصت‌های برابر برای آنان، توان‌مندسازی و حمایت از افراد ناتوان و سالمند و فراهم کردن زمینه مشارکت اجتماعی برای سالمندان به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار مطرح می‌شوند. محورهای زیر نیز توسط بیشتر مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفته است:

- دریافت محبت بی‌قید و شرط از دیگران در قالب روابط خانوادگی و اجتماعی
- ابراز عشق به دیگران در بافت روابط خانوادگی و اجتماعی
- خدمت به دیگران، تلاش برای رفع مشکلات، همدلی، گوش دادن به درد دل‌ها، کمک به نیازمندان و یاری‌رسانی به اطرافیان

- راهنمایی و مشاوره به دیگران، انتقال تجربیات، ارائه الگوهای رفتاری مطلوب، الگو شدن برای دیگران، مشورت با اعضای خانواده و مشورت تخصصی در حوزه شغلی

- راهنمایی افراد بر اساس تجربیات زندگی و حضور مؤثر در جامعه به واسطه نقش شغلی، تخصصی یا موقعیت مالی

- ارتباط با خانواده، حضور در مهمانی‌ها، برگزاری مهمانی، مشارکت در اجتماع، روابط با دوستان و همسالان، و گسترش روابط اجتماعی.

در این گفتمان، سالمندان به عنوان یک فرصت و ثروت تفسیر می‌شوند. این دیدگاه و گفتمان مسئله-مندی سالمندگرایی بیش از هر چیز از تفکر حفظ ارزش‌های سنتی خانواده الهام گرفته و ریشه‌ای فرهنگی و ارزشی دارد. سالمندشناسی فرهنگی بر هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های اخلاقی مربوط به سنین سالمندی تمرکز دارد. این هنجارها و ارزش‌ها تصاویری قابل توجه از سالمندان در جامعه شکل می‌دهند و بر کلیشه‌های سالمندی و فرصت‌هایی که باید برای مشارکت و فعالیت آنان فراهم شود، تأثیرگذارند. سالمندشناسی فرهنگی با تمرکز بر تفاسیر، ارزش‌ها و تجربه‌های دوره زندگی بررسی می‌کند که چگونه تصاویر قالبی از سالمندان، انتظارات و کلیشه‌هایی تولید می‌کنند که بر امکان مشارکت و فعالیت آنان در جامعه اثر می‌گذارد. یکی از مؤلفه‌های مهم این گفتمان که در مصاحبه با نمونه‌های منتخب بر آن تأکید شده، سبک زندگی بهتر و افزایش فرصت‌های فراغتی برای سالمندان است. سنت پست مدرن نیز با توجه به کاربرد فناوری‌های زیستی و طولانی‌تر شدن عمر بشر، بر مؤلفه سبک زندگی بهتر و افزایش فرصت‌های فراغتی برای سالمندان تأکید می‌کند (۲۷).

مؤلفه دیگری که در این گفتمان شناسایی شد، تفاوت میان احساس درونی و بیرونی سالمندان است؛ به عبارتی، سالمندان علی‌رغم پیری ظاهری، از درون احساس قدرت می‌کنند و به عنوان منبع و ثروت تلقی می‌شوند. در نظریه پست مدرن نیز این مسئله به عنوان «ماسک سالمندی» مطرح است؛ به گونه‌ای که ظاهر بیرونی، توانایی کارکردی و حس درونی با گذشت سن و دوره زندگی بارزتر می‌گردد. همان طور که گابریوم (۲۰۲۰)، اشاره می‌کند، سالمندی به مثابه ماسک یا نقابی دیده می‌شود که هویت اصلی فرد را در زیر خود پنهان کرده و به تفاوت میان احساس درونی و بیرونی نسبت به سالمندی اشاره دارد. سالمندی دوره‌ای از زندگی است که افراد تغییرات جسمی را تجربه می‌کنند، اما در عین حال فرصت‌هایی برای خلق هویت، بازاندیشی و الگو شدن در اختیار دارند.

گفتمان حاشیه‌رانی جمعیت سالمند

بر اساس این گفتمان، تضعیف سنت‌های حمایتی خانواده از افراد سالمند، عدم آشنایی با فضای مدرن و در نتیجه حاشیه‌ای شدن، ضد باروری و پیری جمعیت، کم‌نمایی در رسانه‌ها و انفصال از نقش‌های کاری،

مهم‌ترین مؤلفه‌های اکتشافی محسوب می‌شوند. این موارد به عنوان نگرش‌های غالب جامعه و روایت‌های آن درباره سالمندان مطرح هستند.

شایان ذکر است که در تجربه سالمندی، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به ویژه مؤلفه‌های ساختاری چون جنسیت، طبقه، قومیت، نژاد و محل زندگی تأثیرگذارند. تمامی این مؤلفه‌ها در کنار حاشیه‌رانی جمعیت سالمند می‌توانند آسیب‌پذیری و محرومیت بیشتری را برای آنان رقم بزنند و تجربه‌ای از سالمندی تهیدستانه، پرمخاطره و انزواجویانه ایجاد کنند. این در حالی است که بسیاری از محققان حوزه سالمندی بر این باورند که مدرن‌شدن و شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، سنت‌های حمایتی خانواده از سالمندان را در هم می‌ریزد. اگر چه به یمن پیشرفت‌های پزشکی و فناوری، سالمندان از خدمات بیشتری نسبت به گذشتگان بهره‌مند می‌شوند، اما این دستاوردها به بهای از دست دادن قدرت، احترام و اعتباری است که سالمندان نسل‌های پیشین از آن برخوردار بودند (۳۸).

گفتمان حاشیه‌رانی جمعیت سالمند با توجه به نابرابری جنسیتی می‌تواند خسارت جدی به زنان سالمند وارد کند. بسیاری از زنان سالمند به دلیل عدم آشنایی با فضای مدرن که شاید متأثر از رویکردهای سلبی در بدنه اجتماعی و خانوادگی باشد با این فضاها بیگانه‌اند و قادر به هماهنگ کردن خود با اقتضات زندگی مدرن نیستند.

عدم آموزش و دسترسی به اطلاعات و فناوری موجب شده است تا آنان بیش از پیش در حاشیه زندگی اجتماعی قرار گیرند. بسیاری از زنان سالمند به علت ناآگاهی از نحوه استفاده از ابزارهای جدید، ترجیح می‌دهند در حاشیه بمانند. از سوی دیگر، در محیط خانوادگی نیز به لحاظ روحی و روانی با برخوردهای سلبی مواجه‌اند؛ زیرا به علت کهولت سن و بی‌سوادی، خانواده‌ها تمایلی به آموزش آنان ندارند. در این حالت، سالمند تا حدودی به صورت اختیاری به حاشیه رانده می‌شود. در این دوران، ارزش‌های سنتی و مدرن سالمندان بیش از هر زمان دیگری در تقابل قرار دارند. تسریع این فرایند بی‌سابقه باعث افزایش تضاد با سنت می‌شود. زنان سالمند زندگی مدرن را با مفاهیمی چون تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی توصیف می‌کنند که با روحیه قناعت‌گرایی و سنت‌گرایی آنان سازگار نیست و همین امر می‌تواند به روابط فاصله‌دار آنان در عرصه اجتماعی دامن بزند.

انفصال از نقش‌های کاری و اجتماعی یکی دیگر از عوامل حاشیه‌رانی جمعیت سالمند، انفصال آنان از نقش‌های کاری و ارتباطات اجتماعی است که به ایجاد شکافی عمیق میان سالمندان و دیگر گروه‌های سنی فعال در جامعه منجر می‌شود. این امر انزوای اجتماعی سالمندان را به دنبال دارد. به زعم آلبرشت (۲۰۱۸)، افراد مسن به تدریج از نقش‌های کاری خود منفصل می‌شوند و برای انفصال نهایی آماده می‌گردند. وی مطرح می‌کند که کنارگذاری تدریجی سالمندان از نقش‌های کاری و ارتباطات، یک فرآیند اجتناب‌ناپذیر است. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه ویژگی‌های جامعه مدرن، سالمندان را به حاشیه می‌کشانند، قدرت و نفوذ آنان را کاهش می‌دهد و میزان درگیری آنان در حیات اجتماعی را کمتر از گذشته می‌سازد. در این

نظریه، کنارگذاری سالمندان از زندگی اجتماعی فعال به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر و محصول مدرنیزاسیون و انفصال از شغل و کار تلقی می‌شود.

تحلیل گفتمان‌های سالمندی ایران بر اساس نظریه لاکلا و موفه

روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، روشی توصیفی-تحلیلی و انتقادی (نئومارکسیستی) است که در حوزه دیدگاه‌های پسامدرن و پساساختارگرایانه قرار می‌گیرد. این رویکرد با وارد کردن مفاهیمی چون قدرت، سیاست و ایدئولوژی در تحلیل خود، ظرفیت نقد و ارتقای تحلیل‌های گفتمانی را فراهم می‌سازد. نظریه لاکلا و موفه انتقادی بر گفتمان لیبرالیستی و تلاشی برای اصلاح رویکرد مارکسیسم سستی در جهت برون رفت از بحران دنیای چپ است؛ بحرانی که از طریق تأکید بر آزادی و برابری و تعمیق آن مورد توجه قرار می‌گیرد (۱۳).

این نوشتار بر اساس توصیف مفاهیم اصلی نظریه لاکلا و موفه سامان یافته است. این نظریه از کاربردی-ترین نظریات در زمینه تحلیل گفتمان محسوب می‌شود. آن چه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه را از سایر نظریه‌ها متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است. این قابلیت در سایه به کارگیری مفاهیمی چون «مفصل‌بندی» حاصل می‌شود. مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها و رفتارها رابطه‌ای ایجاد می‌کند تا هویت اولیه آن‌ها دگرگون شده و هویتی جدید بیابند (۳۴).

دال مرکزی

دال مرکزی نقطه ثقلی است که به سایر نشانه‌ها معنا می‌بخشد. در تحلیل گفتمان سالمندی، این دال وظیفه دارد پراکندگی معنایی را به یک انسجام گفتمانی تبدیل کند. طبق نظر نخبگان موضوعی دال مرکزی در گفتمان مسئله‌مندی سالمندی ایران، "سالمند به مثابه ثروت" تشخیص داده شد که در این دیدگاه سالمند به عنوان منبع ثروت، خرد، دانایی و تجربه شناخته شده و می‌تواند آن‌ها را به نسل‌های جوان تقدیم کند، در این گفتمان دال "سالمند به مثابه ثروت" نه تنها یک شعار، بلکه به مثابه «سرمایه نمادین» عمل می‌کند. بر اساس پژوهش‌های جدید در حوزه سالمندی پویا، این دال مرکزی باعث می‌شود سالمندی از یک «وضعیت بیولوژیک» به یک «جایگاه استراتژیک» در توسعه پایدار تبدیل شود (۴۵). در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، سالمند نقش «ریش سفید» دارد و تصمیم‌های مهم خانوادگی با مشورت او گرفته می‌شود (مصاحبه ۱۰-۷-۳). حضور سالمندان در مراسم مذهبی (مانند محرم یا ماه رمضان) به عنوان نماد اصالت و انتقال ارزش‌های دینی دیده می‌شود. (مصاحبه ۱-۳)

در مقابل، در گفتمان سیاه‌نمایی و حاشیه‌رانی "سالمند به مثابه بار اجتماعی" به عنوان دال مرکزی تشخیص داده شده است که در این نگاه سالمند به عنوان دوره بی‌ثمری اقتصادی که با خود هزینه و بار

اجتماعی و اقتصادی برای جامعه به همراه داشته و به عنوان عنصر حاشیه‌نشین و مخاطره‌آمیز شناخته می‌شود. در این گفتمان، دال "بار اجتماعی" ناشی از نگاه نئولیبرالیسم است که ارزش انسان را صرفاً در «تولید اقتصادی» خلاصه می‌کند. کسری بودجه در صندوق‌های بازنشستگی ایران باعث شده سالمندان گاه به عنوان عامل فشار اقتصادی معرفی شوند. وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به بودجه عمومی کشور سال به سال بیشتر می‌شود؛ در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۶ درصد بودجه عمومی به این صندوق‌ها اختصاص یافته است (۱۷). افزایش بیماری‌های مزمن مانند دیابت و فشار خون در سالمندان، بار مالی سنگینی بر دوش بیمه‌ها و نظام سلامت گذاشته است (۴۶).

مفصل‌بندی

مفصل‌بندی فرایندی است که طی آن دال‌های پراکنده (عناصر) در یک شبکه معنایی به وقته‌ها تبدیل می‌شوند. برای گفتمان مسئله‌مندی سالمندی "سالمندی به مثابه ثروت" به عنوان دال مرکزی و مؤلفه‌های برابری حقوق، زمینه مشارکت، زندگی هدفمند، منزلت اجتماعی، نهضت بهزیستی و حمایت اجتماعی مفصل‌بندی این دال مرکزی را شکل می‌دهند. بسیاری از سالمندان پس از بازنشستگی در فعالیت‌های خیریه، مذهبی و آموزشی حضور دارند؛ به ویژه در مساجد و هیئت‌های مذهبی (۳۳)، و برای گفتمان سیاه-نمایی و حاشیه‌رانی "سالمند به مثابه بار اجتماعی" به عنوان دال مرکزی و مؤلفه‌های ضعف و بیماری، ناسازگاری با تغییرات، عدم بهره‌وری، انزوای اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و کم‌بازنمایی رسانه‌ای مفصل‌بندی این دال مرکزی را شکل می‌دهند. سالمندان در استفاده از خدمات آنلاین بانکی و درمانی دچار مشکل هستند و نیاز به آموزش دارند (مصاحبه ۶-۳). بیش از ۳۰٪ سالمندان کشور تنها زندگی می‌کنند و تحقیقات نشان می‌دهد بیش از ۵۰٪ آنان احساس تنهایی دارند (۴۱) و (۵).

دال مدلول

با توجه به دال مرکزی و مفاهیم و دال‌های شناور در مفصل‌بندی، مدلول‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: برابری درآمد و رفاه اجتماعی، الگو شدن و استفاده از تجارب سالمندی، امید به زندگی، زندگی در کنار خانواده. در نظریه گفتمان، رابطه دال و مدلول همواره لغزان است و گفتمان‌ها می‌کوشند این رابطه را تثبیت کنند. دال «امید به زندگی» در گفتمان مسئله‌مندی، دیگر فقط به معنای «طول عمر زیاد» (مدلول سنتی) نیست، بلکه به معنای «کیفیت زیست متصل به جامعه» (مدلول نوین) است. طبق یافته‌های پژوهشی تثبیت مدلول «برابری درآمد» برای دال «رفاه»، کلید اصلی کاهش اضطراب مرگ در سالمندان و تقویت جایگاه اجتماعی آنان است (۱).

دال شناور

دال‌های شناور مفاهیمی هستند که معنای قطعی ندارند و گفتمان‌های رقیب برای تصاحب آن‌ها می‌جنگند. در زمینه سالمندی ایران، «نیاز به حمایت عاطفی و اجتماعی» یکی از مهم‌ترین دال‌های شناور است. گفتمان سیاه‌نمایی «نیاز به حمایت» را به «وابستگی، ضعف و ناتوانی» تعبیر می‌کند. سالمند در این نگاه فردی منفعل است که بار اضافی بر دوش خانواده و جامعه می‌گذارد. گفتمان مسئله‌مندی این نیاز را به «حق برخورداری از مراقبت و توجه» پیوند می‌دهد. سالمند در این نگاه فردی با ارزش اجتماعی است که باید از حمایت عاطفی و اجتماعی بهره‌مند شود تا کیفیت زندگی‌اش ارتقا یابد. بسیاری از سالمندان ایرانی در خانه‌های چند نسلی زندگی می‌کنند و حضور نوه‌ها و فرزندان منبع اصلی حمایت عاطفی است (مصاحبه ۷-۹). دال شناور «نیاز به حمایت» می‌تواند به دو مسیر منتهی شود: اگر در گفتمان سیاه‌نمایی تثبیت شود، سالمندان به عنوان بار اجتماعی دیده می‌شوند. اگر در گفتمان مثبت تثبیت شود، سالمندان به عنوان شهروندانی با حق برخورداری از حمایت عاطفی و اجتماعی شناخته می‌شوند. این تثبیت نه تنها بر سیاست‌های رفاهی اثر می‌گذارد، بلکه بر نگرش عمومی جامعه نسبت به سالمندان نیز تأثیرگذار است.

دال خالی

در نظریه لاکلا، دال خالی نشان دهنده یک فقدان است که گفتمان‌ها وعده پر کردن آن را می‌دهند. در ایران، «توان‌مندسازی سیستماتیک سالمندان» دقیقاً چنین وضعیتی دارد: ساختارهای موجود نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازهای سالمندان باشند و همین خلأ، پتانسیل هژمونیک شدن دارد. می‌توان به نمونه مصادیقی از فقدان توان‌مندسازی سالمندان در ایران به شرح ذیل اشاره کرد:

فقدان نظام جامع مراقبت سالمندی:

- نبود یک سند ملی جامع سالمندی که همه ابعاد (سلامت، رفاه، مشارکت اجتماعی) را پوشش دهد.
- پراکندگی سیاست‌ها بین وزارت رفاه، بهزیستی و وزارت بهداشت بدون هماهنگی مؤثر باعث شده تا سالمندان در دسترسی به خدمات حمایتی دچار سردرگمی نهادی شوند (۱۷).

ضعف در خدمات اجتماعی و رفاهی:

- تنها ۲۸٪ خانوارهای دارای سالمند تحت پوشش حمایتی رسمی هستند.
- یک سوم سالمندان زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. فقدان توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی، سالمندان را به وابستگی به خانواده سوق داده است (۴۱).

دال خالی «توان‌مندسازی سیستماتیک» در ایران می‌تواند به محور هژمونیک گفتمان سالمندی تبدیل شود. گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند با وعده افزایش مستمری و پوشش بیمه‌ای، وعده مشارکت سالمندان در جامعه و فرهنگ، وعده توان‌مندسازی دیجیتال و کاهش شکاف نسلی این خلأ را پر کنند اگر این دال خالی تثبیت شود، می‌تواند به تغییر ساختارهای نهادی و سیاست‌گذاری کلان در ایران منجر شود.

ضدیت، غیریت

هویت یک گفتمان همواره در نفی «دیگری» شکل می‌گیرد. گفتمان سالمندی مثبت، هویت خود را از طریق مرزبندی با «گفتمان کلیشه‌ساز» تعریف می‌کند. این غیریت‌سازی ضروری است تا مرزهای اخلاقی جامعه مشخص شود. در این پژوهش ضدیت یا غیریت گفتمان مسئله‌مندی سالمندان، گفتمان به حاشیه‌رانی سالمند و همچنین سیاه‌نمایی و ارائه کلیشه‌های منفی درباره سالمندان است. گفتمان مسئله‌مندی با طرد و ضدیت با این دو گفتمان به منصفه ظهور می‌رسد و همواره در تخصیص با این دو نوع گفتمان است.

هژمونی

در رویکرد لاکلائی هژمونی در سرتاسر جامعه وجود دارد و با آن در هم تنیده است. اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هر چند موقت بپذیرند در آن صورت آن دال هژمونیک می‌شود. در پژوهش حاضر دال حمایت اجتماعی و عاطفی از سالمندان هژمونی گفتمان مسئله‌مندی سالمندان است. در سایه این مفهوم به حاشیه‌رانی سایر گفتمان‌ها و همچنین ایجاد شبکه قدرت در جامعه برای سالمندان اتفاق می‌افتد. هژمونی حمایت اجتماعی و عاطفی از سالمندان، نقطه مرکزی و قدرت اجتماعی برای تحقیق سایر مفاهیم و دال و مدلول‌ها پیرامونی گفتمان مسئله‌مندی سالمندان است. اگر "حمایت عاطفی و اجتماعی" به عنوان یک ضرورت گریزناپذیر در افکار عمومی نهادینه شود، گفتمان مسئله‌مندی به هژمونی دست‌یافته است. یافته‌های پژوهش‌های ساختاری (۴۷)، نشان می‌دهند که هژمونیک شدن این دال، منجر به بازتوزیع قدرت و بودجه‌های عمومی به نفع زیرساخت‌های سالمندی (مانند شهرهای دوست‌دار سالمند) می‌شود.

ساختار شکنی

ساختار شکنی فرایندی است که بی‌ثباتی گفتمان‌های مسلط را آشکار می‌سازد و زمینه تغییر را فراهم می‌کند. در این پژوهش، جهت‌گیری غربی نسبت به سالمندی به عنوان یک نظام معنایی رقیب و ناکارآمد در برابر سایر گفتمان‌ها مطرح می‌شود؛ نظامی که باید با توجه به فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی-اسلامی، مورد پرسش و نقد قرار گیرد. وقتی این نگاه منفی، سالمندی را برابر با «از کار افتادگی» می‌بیند، لازم است این برداشت‌ها بازنگری شوند. اگر به جای تکیه بر معیارهای صرفاً غربی، بر ارزش‌های فرهنگی بومی و یافته‌های علمی جدید تکیه کنیم، می‌توانیم نشان دهیم که سالمندی در فرهنگ ما نه نشانه ضعف، بلکه مرحله‌ای ارزشمند از زندگی است. این بازنگری کمک می‌کند تا دیدگاه تازه‌ای شکل بگیرد و جایگزین نگاه‌های منفی شود.

در ایران، خانواده مهم‌ترین نهاد حمایتی سالمندان بوده است. اما تغییرات اجتماعی این نقش را تضعیف کرده است. ساختار شکنی نگاه سنتی، به معنای طراحی نظام‌های حمایتی نوین در کنار خانواده است (مصاحبه ۱-۴-۸). بسیاری از سالمندان پس از خروج از بازار کار دچار احساس بی‌معنایی می‌شوند باز تعریف نقش

خانواده و حمایت اجتماعی ساختارشکنی این برداشت، بر تعریف نقش‌های اجتماعی تازه برای آنان تأکید دارد. (مصاحبه ۵-۱)

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، پدیده سالمندی به دلیل افزایش جمعیت سالمندان و تغییرات اجتماعی-فرهنگی، به یکی از مسائل مهم اجتماعی و جهانی بدل شده است. بازنمایی سالمندی در ایران نیز در قالب گفتمان‌های مختلف صورت گرفته است. هدف این پژوهش، شناسایی لایه‌های پنهان و محورهای اصلی گفتمان سالمندی ایران بر اساس نظریه لاکلا و موفه و بررسی چالش‌های هر یک از این گفتمان‌هاست. چارچوب نظری تحلیل گفتمان، بر مبنای دیدگاه ساخت‌گرایان و پس‌ساخت‌گرایان، بر این اصل استوار است که دسترسی به واقعیت همواره از طریق زبان امکان‌پذیر است (۱۴). زبان نه بازتاب واقعیت، بلکه سازنده آن است. در این چارچوب، گفتمان‌های سالمندی در ایران به عنوان نظام‌های معنایی خاص شناسایی و تحلیل شدند. تحلیل کیفی اسناد و مصاحبه‌ها نشان داد سه گفتمان اصلی در ایران رایج است:

- گفتمان سیاه‌نمایی و کلیشه‌های منفی

این گفتمان سالمندی را به مثابه «بار اجتماعی» معرفی می‌کند و بر مؤلفه‌هایی چون ضعف، بیماری، عدم بهره‌وری، انزوای اجتماعی و ناسازگاری با تغییرات تأکید دارد. رسانه‌ها، نظام سلامت و حتی برخی رویکردهای دانشگاهی، این تصویر منفی را بازتولید کرده‌اند. یافته‌های پژوهش‌های پیشین (۲۳) و (۳۳) و (۳۷) و (۱۲) و (۳۵) و (۱۵)، نیز همسو با این نتایج نشان می‌دهد که کلیشه‌های منفی می‌توانند آثار مخربی بر زندگی و رفاه سالمندان داشته باشند. نظریه‌های کارکردگرایی (۲۲)، و مدرنیزاسیون (۳۱)، نیز این گفتمان را تقویت می‌کنند؛ زیرا سالمندان را فاقد توان ایفای نقش‌های اجتماعی و اقتصادی و قربانی تغییرات ناشی از نوسازی می‌دانند.

- گفتمان حاشیه‌رانی جمعیت سالمند

این گفتمان نیز با دال مرکزی «سالمندی به مثابه بار اجتماعی» مفصل‌بندی می‌شود. به علت عدم آشنایی بخش قابل‌توجهی از سالمندان با اقتضائات زیستی فضای مدرن که اغلب ملهم از رویکردهای سلبی این نسل در قبال امور و فضاهای مدرن است به همراه کم‌سواد و تحصیلات پایین اغلب سالمندان، به آن‌ها در رابطه با اقتضائات زندگی مدرن موقعیت حاشیه‌ای و متأخر داده است. این گفتمان با رویکرد انتقادی (۳)، همخوانی دارد که بر نقش تبعیض سنی و کلیشه‌های منفی در تقویت حاشیه‌رانی تأکید می‌کند. امروزه با جهانی‌شدن مؤلفه‌های اقتصاد سرمایه‌داری، منطق تجاری‌سازی و کالایی‌شدن در سراسر جهان سیطره یافته است و متناسب با آن شاهد تغییر گفتمان در سالمندی نیز هستیم. در بسیاری از موارد

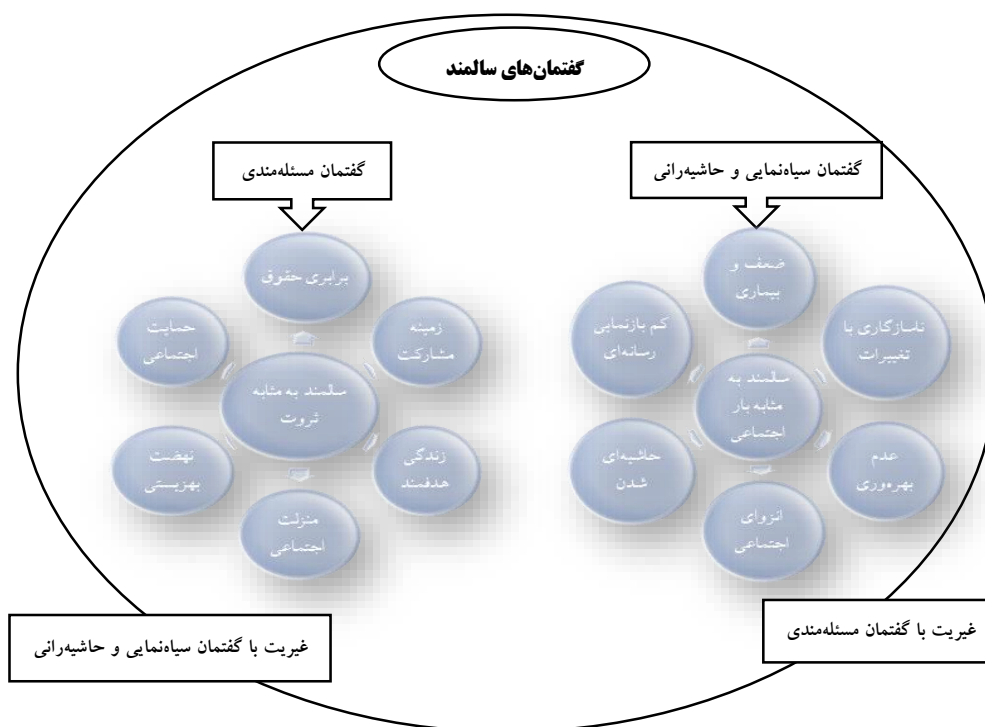
تصویر ارائه شده از سالمندان در رسانه‌های ایران با کلیشه‌های منفی همراه است. سالمندان اغلب به عنوان افرادی ناتوان، بیمار، تنها و وابسته به دیگران به تصویر کشیده می‌شود. بازنمایی نقش سالمندان در فیلم‌های سینمایی ایران در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که شخصیت‌پردازی سالمندان بیشتر بر اساس بازنشتگی، چین و چروک صورت، داشتن موی سفید صورت گرفته است (۴۷). بازنمایی منفی از زیبایی سالمندان و استفاده از سالمندان در تبلیغات بازرگانی تلویزیون برای فروش محصولات آرایشی و بهداشتی به وفور قابل مشاهده است.

در حوزه سلامت هم شاهد تغییر گفتمان سلامت و عقب‌نشینی اقتصادی دولت از تأمین عمومی و همگانی خدمات سلامت و گسترش بخش خصوصی در نظام سلامت بوده است. مطالعه مسائل سالمندان، به ویژه در حوزه بهداشت و درمان روند کالایی شدن سلامت را به خوبی نشان می‌دهد. فشارهای ناشی از تجاری شدن و کالایی شدن سلامت بر گروه‌های تهیدست جامعه بیشتر است که این امر می‌تواند به افزایش خطر فقرشدگی افراد و حتی حذف مصرف سلامت در برخی طبقات تهیدست منجر شود (۴). گفتمان‌های پزشکی (بیماری‌های سالمند)، دانشگاهی (آسیب‌های سالمندی) و رسانه‌ها (بازنمایی سالمند نیازمند) نشان از حاکم بودن گفتمان سیاه‌نمایی و حاشیه‌رانی سالمندی در ایران است.

– گفتمان مسئله‌مندی سالمندی

در مقابل دو گفتمان پیشین، این رویکرد سالمندی را «ثروت» می‌داند و بر مؤلفه‌هایی چون برابری حقوق، مشارکت اجتماعی، زندگی هدفمند، منزلت اجتماعی و حمایت اجتماعی تأکید دارد. این گفتمان ریشه در ارزش‌های فرهنگی و سنتی خانواده دارد و سالمندان را به عنوان فرصت و سرمایه اجتماعی بازنمایی می‌کند. سالمندشناسی فرهنگی بر هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های اخلاقی که مربوط به سنین سالمندی است، متمرکز است. این هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های اخلاقی، تصاویر قابل توجهی از سالمندان در جامعه شکل می‌دهند.

هم‌چنین نظریه‌پردازان پست مدرن بر آن هستند تا با ساختارشکنی جنسیتی واقعیت‌ها، سن را به عنوان امری سیال و متکثر تلقی کنند و خود را به مدل گفتمانی پزشکی که بر ضعف‌های سالمندی تأکید می‌کند، محدود نسازند. بر اساس این گفتمان احساس شکنندگی، واماندگی و غیرمولد بودن جمعیت سالمند زیر سؤال می‌رود. همان گونه که دفرا (۲۰۲۳)، نیز بیان کرده معنای سالمندی در غرب عبارت است: بی‌ثمری اقتصادی و دوران درماندگی که به عنوان ساختارشکنی بر اساس نظریه لاکلا و موفه در این پژوهش مطرح شد؛ لذا برای تثبیت گفتمان مسئله‌مندی سالمندی، گفتمان رقیب سیاه‌نمایی و کلیشه‌های منفی سالمندی با نظام معنایی غربی (عدم بهره‌وری و ناکارآمدی سالمند) به چالش کشیده می‌شود و می‌توان با ساختارشکنی این نگاه، سالمندی را به عنوان مرحله‌ای ارزشمند بازتعریف کرد.



شکل شماره (۲): مدل مفصل‌بندی گفتمان مسئله‌مندی و سیاه‌نمایی و حاشیه‌رانی سالمندی

جامعه ایران نیازمند بازاندیشی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در راستای تکریم سالمندان و تقویت نقش، جایگاه و پایگاه آنان در خانواده و جامعه است. در دین اسلام جایگاه رفیعی برای سالمندان در نظر گرفته شده است هم‌چنین در متون ادبی، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و محتوای کتاب‌های درسی و اسناد بالادستی سالمند به مثابه ثروت بازنمایی شده است. اما بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سالمندان ایران با مسائلی هم‌چون فقر، منزلت‌زدایی، حاشیه‌ای شدن، تورم نیازمندی‌ها، افسردگی و احساس تنهایی و ... مواجه است (۴۲)، و این نشان می‌دهد که گفتمان‌های رایج سالمندی در ایران عمدتاً تحت تأثیر نگاه‌های منفی و کلیشه‌ای قرار دارند. برای دستیابی به سالمندی سالم و هوشمند در آینده، تغییر گفتمان‌های موجود ضروری است. این تغییر نیازمند: بازنگری در تعریف سالمندی، توانمندسازی سالمندان با مهارت‌آموزی، بازنگری در زیرساخت‌های شهری برای فرصت حضور سالمندان در جامعه، حمایت‌های اقتصادی و پویا نمودن سالمند، و بهره‌گیری از ظرفیت فضای رسانه‌های اجتماعی و مجازی و ... می‌باشد.

این پژوهش با بررسی گفتمان‌های سالمندی، نگاهی تازه به مسئله ارائه می‌دهد و بر ضرورت توجه جدی محققان و مسئولان به بحران سالمندی در آینده ایران تأکید می‌کند. با توجه به افزایش سریع جمعیت

سالمندان، لازم است سیاست‌گذاران و پژوهشگران به طور جدی پیگیر مسائل سالمندان کشور باشند تا بتوانند از ظرفیت‌های این گروه به عنوان سرمایه اجتماعی بهره‌مند شوند و از پیامدهای منفی گفتمان‌های رایج جلوگیری کنند.

راهکارهایی که بر اساس گفتمان غالب می‌توان تجویز نمود به شرح ذیل هستند:

تغییر روایت رسانه‌ای و فرهنگی

– بازنمایی سالمندان به عنوان سرمایه اجتماعی: تولید فیلم، سریال و برنامه‌های تلویزیونی که سالمندان را فعال و اثرگذار نشان دهند.

– مبارزه با کلیشه‌های منفی: جایگزینی تصویر «مصرف کننده منابع» با «منتقل کننده دانش و تجربه».

– ترویج مفهوم «سالمندی فعال»: سالمندی به عنوان مرحله‌ای از زندگی با فرصت‌های جدید، نه پایان فعالیت.

سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی

– شهرهای دوستدار سالمند: طراحی حمل و نقل، مسکن و فضاهای عمومی متناسب با سالمندان.

– محله‌های تاب‌آور: ارائه خدمات اداری و اجتماعی در سطح محله برای کاهش رفت و آمد سالمندان.

– ایجاد مشاغل پیرامون سالمندی: خدمات مراقبت در منزل، فناوری‌های کمکی، کارآفرینی سالمندان.

– استفاده از تجربه سالمندان در مشاغل سبک: مانند مشاوره، آموزش مهارت‌های سنتی، خدمات

عمومی.

محدودیت‌های پژوهش

– به دلیل گستردگی و بزرگی جامعه آماری تحقیق (سالمندان ایران)، نمونه‌گیری از سالمندان و متخصصان امر با دشواری‌های فراوان همراه بود. این فرایند زمانبر و هزینه‌بر بوده و به همین علت از نمونه‌های در دسترس و آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران استفاده شد؛ بنابراین، تعمیم راهکارهای ارائه شده به تمامی فرهنگ‌ها و بافت‌های اجتماعی باید با احتیاط صورت گیرد.

– فقدان تحقیقات مشابه در حوزه مورد مطالعه و محدود بودن پژوهش‌های مرتبط با موضوع، به ویژه پژوهش‌هایی که با روش تحلیل انتقادی لاکلا و موفه انجام شده باشند، از دیگر محدودیت‌های این تحقیق محسوب می‌شود. این امر موجب شد که پژوهش حاضر کمتر بتواند از مطالعات پیشین برای مقایسه و تقویت یافته‌های خود بهره‌مند شود.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر هرگونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abrams, D; Swift, H. J. & Drury, L. (2021). The psychology of aging: Income equality, social welfare, and reducing anxiety about death in later life. *Journal of Aging Studies*, 59, P.p: 100–112.
2. Albrecht, G. L. (1992). *The sociology of aging*. Belmont, CA: Wadsworth.
3. Ardener, E. (2006). *The voice of prophecy and other essays*. Oxford: Berghahn Books.
4. Azad Armaki, T; Koosheshi, M. and Parvaei, S. (2021). Critical Approach to Commodification of health and exclusion of the poor elderly. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 10 (1), P.p: 175-212.
5. Bahrevar Vali, Abolfathi; Momtaz, Yadollah; Hosseini, Saeed. (2023). Feeling Lonely among the Elderly in Iran: a Systematic Review, *Journal: Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences* Volume. 45, Issue. 5, P.p: 389-401.
6. Cowgill, D. O. & Holmes, L. D. (1972). *Aging and modernization*. New York: Appleton-Century-Crofts.
7. Fazeli, Mohammad. (2004). discourse and critical discourse analysis. *journal of humanities and social sciences research*, 14, P.p: 81–106.
8. Giddens, Anthony; Sutton, Philip. (2016). *Sociology*, translated by Houshang Naibi. Tehran: Ney Publishing House, Seventh Edition, Volume. 1.
9. Gubrium, J. F. (2020). *Narrative, identity, and aging: Masking and unmasking the self*. New York: Routledge.
10. Hooyman, N. R. & Kiyak, H. A. (2011). *Social gerontology: A multidisciplinary perspective* (9th ed.). Boston: Pearson.
11. Jorgensen, Marianne. (2017). *Discourse analysis as theory and method*, translated by hadi jalili, 7th Edition. Tehran: Ney Publishing.
12. Khazaei, Mostafa; Amani, Mojtaba. & Masoud, Davarpanah. (2018). Analysis of age-friendly city in Iran. *Journal of Geography and Human Relations*. 1 (3), P.p: 876–890.
13. Laclau, E. and Mouffe, C. (2002). *Recasting Marxism in James martin Antonio Gramsci, critical Assesment of leading Political philosophers*.
14. Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics*. London: Verso.
15. Mahmoodian, Hossein. & Hossein, Zarghami. (2016). effects of out-migration of children on social support of aged rural parents left behind. *journal: journal of rural research*, year: 2016, Volume. 7, Issue. 1, P.p: 29-53.
16. Marsoosi, Nafiseh; Resideh, Behzad; Taleshi, Mostafa. & Moosa Kazemi, Seyed Mehdi. (2023). *Analysis of Infrastructure Index of Elderly-Friendly City in Mashhad Metropolis*.
17. Ministry of Welfare. (2021). *The face of aging in Iran: Current situation, challenges, and policies*. Tehran: Ministry of Welfare.
18. Mirzaei, M; Shams Ghahfarokhi, M. (2007). Demography of Elder Population in Iran Over the Period 1956 To 2006. *Salmand: Iranian Journal of Ageing* 2007, 2 (3), P.p: 326-331.

19. Moqaddami, Mohammad Taqi. (2011). a critique of ernesto laclau's and chantal mouffe's theory of discourse analysis. *journal of cultural and social knowledge*. 6, P.p: 91-124.
20. Olsen, Dennis A. (2023). The Portrayal of Successful Ageing in British Prime-Time TV Advertisements: A Concern for the Healthcare Sector? *Studies in Media and Communication*. Vol. 11, No. 4.
21. Ozdanloo, H. (2001). *Discourse and society*. Tehran: Ney Publishing.
22. Parsons, T. (1951). *The social system*. New York: Free Press.
23. Parvaei, shiva. (2022). Ageing, gender and intersectionality: ageing in cultural and gender studies. *Journal of cultural studies and communication*, spring 2022, Issue. 66.
24. Parvahi, S; Mousaei, M. (2020). Exclusion of ageing in social policy analyzing development plans after the revolution. *social problems of iran*. 10 (2), P.p: 59-83.
25. Phelan, Amanda. (2018). Researching Ageism through Discourse. *Contemporary Perspectives on Ageism*. Chapter 31, P.p: 549-564.
26. Powell, J. L. & Hendricks, J. (2009). *The sociology of aging*. New York: Rowman & Littlefield.
27. Powell, J. & Freestone, M. (2023). *Postmodern aging: Lifestyle, leisure, and biotechnological futures*. London: Routledge.
28. Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2025). Dependence of pension funds on the public budget. *Donya-e-Eqtasad Newspaper*. Retrieved from.
29. Rezvani Khaled, Farshad. & Pedram, Abdolrahim. (2019). Alternative Futures of population Ageing in Iran with Causal Layered Analysis. *journal: strategic management studies of national defense studies*, year: 2020, Volume. 3, Issue. 12, P.p: 373-404.
30. Riahi, M. E. (2008). A Comparative Study on the Status of Elderly In the Traditional and Modern Societies. *Salmand: Iranian Journal of Ageing* 2008; 3 (3 and 4), P.p: 10-21.
31. Riley, M. W. (1971). Social gerontology and the age stratification of society. *The Gerontologist*, 11 (1), P.p: 79-87.
32. Rothbaum, F. (2023). "Aging and Age Stereotypes." *Social Cognition* 2, P.p: 171-84.
33. Sadeghi Fasaei, Sohaila & Atefeh Khademi. (2013). Narratives of Elderly Women about Living in the Modern World. *Iranian Demographic Association Journal*, 8 (15), P.p: 123-140.
34. Salar Kasraie, Mohammad; Pozesh Shirazi, Ali. (2009). Discourse Theory of Laclau and Mouffe: Elaborate and Efficient Tool in Understanding the Political Phenomena. *Politics Quarterly*, 39 (3).
35. Samadi, Fatemeh. & Dalir, Mojtaba. (2020). The Role of psychological and social health on sexual health of elderly women. *social psychology research*, 10 (40), P.p: 21-42.
36. Sheikh, M; Moslemi Nejad, M. (2016). Comparison of body image anxiety of athletic and nonathletic elder women: The mediator role of body index with relation to self-respect and body image anxiety. *Journal of Psychological Science*. 15 (57), P.p: 98-112.
37. Shirafkan, Ali. & Nahid, Tayefi Nasrabadi. (2020). Meaning of elderly living in elderly care centers (phenomenology). *rooyesh psychology journal*, 9 (6), P.p: 223-234.
38. Silverman, P; Hecht, M. & Mc, (2021). *Aging in the modern world: Family, urbanization, and the loss of traditional support*. London: Springer.

39. Skoss, Marjorie; Batten, Rachel; Cain, Patricia. and Stanley, Mandy. (2022). Vulnerable, recalcitrant and resilient: a Foucauldian discourse analysis of risk and older people within the context of COVID-19 news media. *Ageing & Society*. 2022, 44, P.p: 1579–1596.
40. Soltani, Ali Asghar. (2012). Power, discourse, and language. tehran: ney publishing.
41. Statistical Center of Iran. (2021). Statistical Yearbook of the Country.
42. Taghipour, F. Ebrahimipour, D; Sabbagh, S; Elmi, M. (2024). Aging Crisis in Iran, Challenges and Solutions. *scds 2024*; 12 (3), P.p: 82-108.
43. Varela S, Ana. (2024). A tutorial on discourse analysis in healthy and pathological ageing. *RESEARCH R Studies in Media and Communication* Vol. 11, No. 4.
44. Victor, C. R. (2005). The social context of ageing: A textbook of gerontology (2nd ed.). London: Routledge.
45. Walker, A; & Maltby, T. (2022). Active Aging and Active Aging Index. In A. Zaidi (Ed.), *Encyclopedia of Gerontology and Population Aging*, P.p: 32–36, Springer, Cham.
46. Yahyavi Dizaj J; Tajvar, M; Mohammadzadeh, Y. (2020). The Effect of the Presence of an Elderly Member on Health Care Costs of Iranian Households. *Salmand: Iranian Journal of Ageing* 2020, 14 (4), P.p: 462-477.
47. Zanjari, N; Kalantari Banadaki, S. Z; Sadeghi, R; Delbari, A. (2024). A Futures Study of the Challenges and Drivers of Population Aging in Iran Using the Scenario Analysis Technique. *Salmand: Iranian Journal of Ageing* 2024, 19 (2), P.p: 258-275.